

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در وینا
۱۱ فبروری ۲۰۲۰

تأملی بر چهل و یک سال حاکمیت جمهوری اسلامی!



قیام شکوهمند ۲۲ بهمن [دلو] از یک طرف آخرین میخ بر تابوت نظام دیر هنگام شاهنشاهی بود و از طرف دیگر شرایط استقرار نظام نا به هنگام جمهوری اسلامی را رقم زد، قیامی که گرچه نقطه اوج مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی مردم ایران بود اما به استقرار آزادی و دموکراسی نینجامید.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز با تشکیل سپاه پاسداران و تصویب ولایت فقیه در قانون اساسی، دیکتاتوری و سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم را به عنوان مؤلفه

های اساسی حاکمیت خود در دستور کار قرار داد و طی چهل و یک سال آن را در همه ابعاد با مشت آهنین پیش برده است. کشتار و سرکوب خلق های کرد، عرب، ترکمن، سرکوب کارگران بیکار در سال ۵۸، دستگیری و اعدامهای فله ئی بدون محاکمه دهه ۶۰ و اوج آن کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷، قتل های زنجیره ئی، سرکوب خونین اعتراضات دانشجویی سال ۷۸، جنبش به اصطلاح « سبز » سال ۸۸ و تازه ترین آنها سرکوب خونین اعتراضات مردمی در بیش از صد شهر در دیماه [جدی] ۹۶ و نیز آبانماه [عقرب] ۹۸ که طی آن هزار و پانصد تن کشته، بیش از دو هزار تن زخمی و حداقل هفت هزار تن بازداشت شدند، از جمله این سرکوب هاست.

در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز رژیم با راه اندازی جنگ ارتجاعی هشت ساله با عراق، گروگان گیری در سفارت امریکا، اجرای انقلاب " فرهنگی " و بستن دانشگاهها، تصفیه های اجباری، سرکوب احزاب و سازمانهای سیاسی و مدنی، به کارگیری اسلام سیاسی و تطبیق انواع قوانین با آن، تحمیل حجاب اجباری به زنان و خلاصه با خودی و غیر خودی کردن آحاد جامعه، زیر پای نهادن حقوق خلق ها، اقلیت های دینی مانند بهائیان و دراویش، بازنشستگان، سانسور، دستگیری و اعدامها را به اوج رسانده است.

در عرصه اقتصادی نیز با خصوصی سازی های وسیع پیرو سیاستهای بانک جهانی نا کارآمدی های دوگانه متخصص و متعهد، اختصاص بودجه های هنگفت به برنامه هسته ای و سیاست ارتجاعی نفوذ و سلطه طلبی منطقه ای به ویژه تأثیر تحریم ها، کشور را به ورشکستگی و نابودی کشانده است، به طوری که توده های مردم فقر، فحشاء، اعتیاد و اختلاس و دزدیهای نجومی را هر روزه شاهد اند و آن را با پوست و گوشت خود لمس می کنند. این گفته مسؤولین که ۵۵ میلیون زیر خط فقر و ۳۰ میلیون زیر خط مطلق فقر به سر می برند بهترین شاهد این مدعاست.

شهرهای بزرگ ایران شاهد حاشیه نشینان در ابعادی میلیونی هستند که از کمترین امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بی بهره اند. نمونه اخیر اهدای دوصد میلیون یورو به سران جنبش های اسلامی منطقه در جریان تعزیه گردانی جنازه قاسم سلیمانی از نمونه های اخیر رفتار وقیحانه رژیم در این اوضاع نابسامان اقتصادی کشور است. از سوی دیگر مردم طی ۴۱ سال سرکوب و پایمال شدن حقوق اولیه خود به طور مستمر و به شکل های گوناگون به مبارزات حق طلبانه خود ادامه داده اند. جنبش زنان، دانشجویان، معلمان و باز نشستگان علی رغم سرکوب ها سر باز ایستادن ندارند. کارگران با اعتراضات و اعتصابات از خواست های خود دفاع کرده اند. جنبش های مردمی بیکاران، تهیدستان و بی آیندگان با تحمل شدید ترین سرکوب ها همواره رادیکال تر شده و آشکارا نابودی کلیت رژیم را خواستار اند. آن ها در اعتراض به دروغ پردازی های رژیم در رابطه با جنایت هولناک سرنگونی هواپیمای اوکراینی که ۱۷۶ انسان بی گناه را به کام مرگ فرو برد فریاد زدند "جمهوری اسلامی نمی خواهیم، نمی خواهیم" یا "جمهوری اسلامی نابود باید گردد!" یا "نه رفرا ندیم، نه اصلاح، اعتصاب، انقلاب!"

اکنون اوضاع نابسامان اقتصادی، فشار تحریم ها، تداوم و گسترش اعتراضات مردمی عرصه را بر رژیم تنگ کرده است. از اینرو رژیم تنها به سرنیزه تکیه دارد و چه در داخل و چه در افکار عمومی منطقه و جهان با نفرت و انزجار روبه روست. گرچه برخی از کشورهای اروپائی به ویژه دولت اتریش به سیاست مماشات با رژیم ادامه می دهند و نیروهای ارتجاعی مذهبی و موروئی در تلاش سوء استفاده از مبارزات مردمنده، ولی مردم در شعار های خود می گویند که منجی خود ما هستیم.

گرچه سلطنت طبان با مقایسه عملکرد بشدت سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی می کوشند با مقایسه بین بد و بدتر، دیکتاتوری و استبداد شاهنشاهی را تبرئه کنند و جنایاتش را لاپوشانی، اما مردم فریاد می زنند "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!"

با توجه به اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، دیری نخواهد گذشت که طوفان مبارزات مردم طومار عمر ننگین رژیم جمهوری اسلامی را در نورد و آن را با قیامی دیگر و این بار در سطحی بالاتر و آگاهانه تر به رهبری خود نیروهای اجتماعی و طبقاتی درون جامعه از صحنه اجتماعی ایران برود. طلیعه این نوید در شعارها، خواست ها و سطح آگاهی نیروهای اجتماعی از جمله کارگران، زنان، دانشجویان و فرهنگیان آشکار است.

قیامی دیگر ببا یباید تا جمهوری اسلامی را برود !!!

کنون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در وینا

۲۲ بهمن [دلو] ۱۳۹۸